



دانشگاه پیام نور

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته اقتصاد کشاورزی

دانشکده کشاورزی واحد کرج

گروه علمی اقتصاد کشاورزی

پایان نامه:

بررسی مزیت نسبی محصولات کشاورزی در استان کرمان، مطالعه

موردی بخش ماهان

استاد راهنما:

دکتر غلامرضا یآوری

استاد مشاور:

دکتر محمد خالدی

نگارش:

امیر رضا قدیمی ماهانی پور

شهریور ماه 1389

سپاسگذاری:

من به سرچشمه خورشید نه خود بردم راه ذره ای بودم و مهر تو مرا بالا برد

نخستین سپاس به پیشگاه حضرت دوست که هر چه هست از اوست.

سپاس دیگرنثار خانواده ام که هر چه دارم به سبب فداکاری و گذشت و مهربانی و راهنماییهای آنان است.

در این رهگذر خود را ملزم می دانم که با تواضع تام و از صمیم قلب تشکر و سپاس خالصانه خود را از جناب آقای دکتر غلامرضا یآوری در سمت استاد راهنمای پایان نامه اینجانب و جناب آقای دکتر محمد خالدی در سمت استاد مشاور و جناب آقای دکتر افشین امجدی در سمت داور پایان نامه ام ابراز نمایم.

همچنین از آقایان دکتر حسین مهرابی بشر آبادی ، محمد رضا زارع مهرجردی و حمید رضا میرزایی اساتید محترم و همکاران گرامی ام در گروه اقتصاد کشاورزی دانشگاه شهید باهنر کرمان و همچنین دوستان خوبم آقایان رضا کوهپایه زاده اصفهانی ، علیرضا دعاگویی و مجید انصاری کمال تشکر را دارم که بی شک بدون راهنمایی های ارزنده علمی و عملی این بزرگواران انجام این مهم میسر نبود.

چکیده:

هدف از انجام این پژوهش بررسی مزیت نسبی محصولات کشاورزی در بخش ماهان از توابع استان کرمان می باشد. برای محاسبه شاخص های مزیت نسبی و آثار سیاستی از ماتریس تحلیل سیاستی (PAM) استفاده شده است. این شاخص ها شامل هزینه منابع داخلی (DRC)، هزینه به منفعت اجتماعی (SCB)، ضریب حمایت اسمی از نهاده ها (NPIC)، حمایت اسمی از بازار محصول (NPC)، حمایت موثر از محصول (EPC) و سودآوری خالص اجتماعی (NSP) است. اطلاعات میدانی با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی از سطح مزارع بخش در سال 1388 تهیه شده و همچنین، اطلاعات لازم در رابطه با قیمت سر مرز محصولات، قیمت سر مرز نهاده های تولیدمبادله پذیر، نرخ رسمی ارز، شاخص قیمت های داخلی و شاخص قیمت های جهانی از گزارش های اقتصادی، سالنامه ها و سایت های بانک مرکزی، وزارت امور اقتصادی و دارایی و فائو گرفته شد. نتایج این مطالعه نشان می دهد که در بین محصولات زراعی پیاز (DRC=0/36) و سیب زمینی (DRC=0/9) دارای مزیت نسبی هستند، و تمامی محصولات باغی تولید شده در منطقه شامل گردو، بادام، هلو، انگور و پسته از مزیت نسبی برخوردار می باشند که در میان آنها انگور (DRC=0/38) و هلو (DRC=0/48) از مزیت نسبی بالای تولید برخوردار هستند. همچنین از نهاده ها در کلیه محصولات تحت بررسی، از سوی دولت حمایت می شود.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
فصل اول: کلیات	
2	1-1 مقدمه
5	2-1 طرح مسئله و اهمیت موضوع
7	3-1 اهداف تحقیق
7	4-1 محصولات مورد مطالعه و داده‌های تحقیق
فصل دوم: تاریخچه و مبانی نظری تحقیق	
9	1-2 مقدمه
9	2-2 نظریه مرکانتلیستها
10	3-2 نظریه فیزیوکراتها
10	4-2 نظریه مزیت مطلق آدام اسمیت
11	5-2 نظریه مزیت نسبی ریکاردو
12	6-2 مدل هشکر - اهلین
13	7-2 نظریات جدید تجارت
14	8-2 مفهوم و ماهیت مزیت نسبی
17	9-2 عوامل تعیین کننده مزیت نسبی
17	10-2 مطالعات خارجی
23	11-2 مطالعات داخلی

فصل سوم: متدولوژی تحقیق

1-3	مقدمه	29
2-3	ماتریس تحلیل سیاستی (PAM)	30
3-3	شاخص هزینه منابع داخلی	33
4-3	شاخص هزینه به منفعت اجتماعی	34
5-3	شاخص ضریب حمایت اسمی از نهاده‌ها	35
6-3	شاخص حمایت اسمی از بازار محصول	35
7-3	شاخص حمایت موثر از محصول	36
8-3	شاخص سودآوری خالص اجتماعی	36
9-3	عوامل موثر در محاسبه مزیت نسبی	37
1-9-3	عوامل تولید	37
2-9-3	نرخ سایه‌ای	37
3-9-3	قیمت‌های سایه‌ای	38
1-3-9-3	قیمت سایه‌ای محصول	38
2-3-9-3	قیمت سایه‌ای نهاده‌های قابل تجارت	39
3-3-9-3	قیمت سایه‌ای نهاده‌های غیر قابل تجارت	39

فصل چهارم: بررسی وضعیت موجود، تجزیه و تحلیل اطلاعات

1-4	اهمیت بخش کشاورزی در اقتصاد	41
2-4	کشاورزی ایران	41
3-4	بررسی تحولات گذشته	42
1-3-4	ارزش افزوده	42
2-3-4	بهره وری	42
3-3-4	تولید	43
4-3-4	آب و خاک	43
5-3-4	زراعت	44
6-3-4	باغبانی	44

45	7-3-4	حفظ نباتات
45	8-3-4	مکانیزاسیون
46	9-3-4	صنایع تبدیلی و تکمیلی
46	10-3-4	سیاست های حمایتی
46	11-3-4	بیمه محصولات کشاورزی
47	4-4	تحلیل وضعیت موجود
48	5-4	جایگاه بخش کشاورزی در استان کرمان
48	1-5-4	اقليم و موقعیت جغرافیایی
49	2-5-4	منابع آب و خاک استان کرمان
51	6-4	مشخصات عمومی ماهان
51	1-6-4	اقليم
51	2-6-4	دما
51	3-6-4	بارندگی
52	4-6-4	تعداد روزهای یخبندان
52	5-6-4	رطوبت نسبی
52	6-6-4	منابع آب
52	7-6-4	ارتفاعات
53	8-6-4	جغرافیای اقتصادی
53	9-6-4	جغرافیای انسانی
54	10-6-4	توابع بخش ماهان
54	1-10-6-4	قناتگستان
55	2-10-6-4	محي آباد
55	3-10-6-4	جوپار
56	11-6-4	منابع آب
56	7-4	جمع بندی
58	1-8-4	نرخ ارز

58.....	2-8-4 کود شیمیایی
61.....	3-8-4 سموم شیمیایی
61.....	4-8-4 بذر
62.....	5-8-4 زمین
63.....	6-8-4 نیروی کار
63.....	7-8-4 ماشین آلات
67.....	8-8-4 آب
67.....	9-8-4 سوخت و حامل های انرژی
68.....	10-8-4 حمل و نقل
69.....	11-8-4 محصول
70.....	12-8-4 سایر نهاده ها
71.....	9-4 محصولات زراعی
73.....	1-9-4 بررسی مزیت نسبی و آثار سیاستی تولید گندم
75.....	1-9-4 بررسی مزیت نسبی و آثار سیاستی تولید جو
78.....	1-9-4 بررسی مزیت نسبی و آثار سیاستی تولید سیب زمینی
80.....	1-9-4 بررسی مزیت نسبی و آثار سیاستی تولید ذرت دانه ای
82.....	1-9-4 بررسی مزیت نسبی و آثار سیاستی تولید پیاز
85.....	10-4 محصولات باغی
87.....	1-9-4 بررسی مزیت نسبی و آثار سیاستی تولید پسته
89.....	1-9-4 بررسی مزیت نسبی و آثار سیاستی تولید هلو
92.....	1-9-4 بررسی مزیت نسبی و آثار سیاستی تولید بادام
94.....	1-9-4 بررسی مزیت نسبی و آثار سیاستی تولید گردو
96.....	1-9-4 بررسی مزیت نسبی و آثار سیاستی تولید انگور
فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات	
101.....	1-5 جمع بندی
105.....	2-5 پیشنهادات

107..... فهرست منابع و مآخذ

فصل اول

مقدمه و هدف

1-1 مقدمه

عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی (به عنوان عضو ناظر) نقطه عطفی برای ورود ایران به عرصه تولید و تجارت در صحنه بین المللی است. ایران برای عضویت دائم در سازمان تجارت جهانی بایستی شرایط و سیاستهای خود را به گونه ای تنظیم و اجرا کند که بتواند در حد اقل زمان و با کمترین هزینه وارد عرصه رقابت بین المللی گردد. گرچه این موضوع برای همه بخش ها و زیر بخش های اقتصاد در سطوح خرد و کلان از اهمیت زیادی برخوردار است اما این مسئله در بخش کشاورزی (بویژه در کشورهای در حال توسعه) دارای اهمیت دو چندان است. از دلایل عمده این امر میتوان به نقش و جایگاه بخش کشاورزی در اقتصاد کشورهای در حال توسعه، مسئله امنیت غذایی، مساعدت بازار، مساعدت مواد خام، مساعدت عوامل، ارز آوری، حمایت های انجام شده از بخش کشاورزی، غیر تجاری بودن کشاورزان، فقر روستایی، سطح نازل کارآیی و بهره وری عوامل تولید، تخصیص غیر بهینه عوامل تولید و غیره اشاره کرد. پیچیدگی مباحث مربوط به بخش کشاورزی در مذاکرات سازمان تجارت جهانی گواهی بر این امر است (مهرابی بشرآبادی 1384)

در ادبیات اقتصادی از مزیت نسبی برای بررسی قدرت رقابت پذیری یک کشور در عرصه تولید و تجارت بین المللی استفاده می گردد. یکی از ابزارهای مهم مورد نیاز برای برنامه ریزان اقتصادی و تصمیم گیران در تدوین برنامه های توسعه ای، آگاهی از مزیت های نسبی است. این امر به ویژه در بخش تجارت خارجی حائز اهمیت بوده و تلاش در جهت پویا سازی مزیت های نسبی و همچنین تبدیل آنها به مزیت رقابتی به منظور موفقیت و حضور مستمر در عرصه رقابت بین المللی، امری ضروری و اجتناب ناپذیر می باشد. در این پایان نامه مزیت نسبی محصولات عمده کشاورزی در بخش ماهان از توابع استان کرمان، با نگرش توسعه صادرات، اندازه گیری و تجزیه و تحلیل می شود.

اقتصاد ایران قبل از ملی شدن صنعت نفت بر پایه کشاورزی بنا نهاده شده بود. قرار گرفتن ایران جزء گروه کشورهای صادر کننده نفت، افزایش قیمت نفت خام و رونق نسبی بخشهای صنعت و خدمات باعث کم شدن اهمیت بخش کشاورزی در اقتصاد ملی گردید. با وجود افزایش در تولیدات کشاورزی، واردات به ویژه از سال 69 به دلیل رشد جمعیت و رشد در آمد افزایش یافت و این امر خود دلیلی به اهمیت دادن به بخش کشاورزی در ایران است. (مهرابی بشرآبادی 1383)

استان کرمان به علت وسعت زیاد و وجود پستی و بلندیهای فراوان دارای شرایط متفاوت آب و هوایی بوده و تقریباً تمامی شرایط آب و هوایی موجود در مملکت را در سطح کوچک و بزرگ دارا

می باشد. لذا امکان کشت محصولات گوناگون، با تاریخهای کشت متفاوت در این استان وجود دارد. استان کرمان به لحاظ کشت محصولات سالانه در مقام شانزدهم کشور و از نظر کشت محصولات باغی در مقام اول کشور قرار دارد. طبق مطالعات انجام شده محصولات باغی بیشترین سهم را در کشاورزی استان کرمان دارد. با وجود اینکه استان کرمان از نظر معادن غنی می باشد ولی بیشترین سهم در اقتصاد آن مربوط به بخش کشاورزی است و با وجود پیشرفت هایی که می تواند در زمینه صنعت و معدن داشته باشد همچنان سنتی باقی مانده است. (مهرابی بشر آبادی 1383)

بخش ماهان یکی از بخش های شهرستان کرمان در استان کرمان است. شهر ماهان در 35 کیلومتری جنوب شرقی کرمان واقع شده و در سال 1385 تعداد 16787 نفر جمعیت داشته است. به دلیل وجود هوای نسبتاً خنک و خاک بسیار مرغوب عمده محصولات کشاورزی در این بخش تولید می شود که از آن جمله می توان به محصولاتی باغی چون؛ انگور، انار، گردو، پسته، هلو، بادام، زردآلو، نوری، آلوچه، آلبالو، انجیر، گلابی، سیب و ... و همچنین محصولات زراعی چون؛ گندم، جو، سیب زمینی، پیاز، ذرت دانه ای و ... اشاره کرد. انگور تولید شده در این بخش به اجماع کارشناسان مرغوب ترین انگور استان می باشد.

ولی به دلیل کشت و باغداری سنتی و عدم توجه و رعایت اصول اقتصادی، کشاورزی در این بخش بسیار کم درآمد بوده و عمده ساکنین منطقه علیرغم داشتن زمین کافی برای کشاورزی، کشاورزی را به عنوان شغل دوم انتخاب کرده و به سایر مشاغل خدماتی یا صنعتی روی آورده اند.

کشاورزی در این بخش جزء لاینفک زندگی مردم می باشد و هر کشاورز بر اساس محدودیت عمده کمبود آب و بر طبق تجربیات گذشته و به صورت سنتی اقدام به کشت چندین محصول باغی به صورت ترکیبی در زمین خود کرده که بیشتر این محصولات در جهت تأمین نیاز خانواده خود کشاورز بوده و گاهی مازاد آن هم در مقاطع زمانی خاص به بازار ارسال می گردد. که به دلیل عدم اطلاع رسانی کافی و بازاررسانی نامناسب سود چندانی نصیب کشاورز نمی گردد.

هر چند که اخیراً در بعضی مناطق کشاورزانی به صورت مدرن و بر اساس اطلاعاتی که از جهاد کشاورزی استان و اداره کشاورزی بخش کسب کرده اند اقدام به کشت تک محصولی جهت کسب سود اقتصادی کرده اند مانند کشت گندم، جو، ذرت، انار، انگور، پسته و هلو، اما عمده کشاورزان منطقه همچنان با مشکلات فوق دست و پنجه نرم می کنند.

در این تحقیق، ضمن بیان مبانی نظری، روش های اندازه گیری مزیت نسبی معرفی شده و سپس نتایج محاسبات و منابع تغییرات مزیت نسبی مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرند. محصولات مورد مطالعه شامل محصولات عمده منطقه می باشد. تجزیه و تحلیل اطلاعات و محاسبات تحقیق،

شامل تعیین مزیت نسبی با استفاده از شاخص های DRC و SCB و NSB ، تعیین حمایت های اسمی و موثر انجام شده با استفاده از شاخص های NPC و NIPC و EPC و ارائه ماتریس تحلیل سیاستی (PAM) برای هر یک از محصولات مورد مطالعه می باشد.

1-2 طرح مسئله و اهمیت موضوع

یکی از اصولی که پایه تفکر جهانی شدن و شاید نتیجه اصلی این تفکر را تشکیل می دهد اصل مزیت نسبی در تولیدات است. بحرانهای اقتصادی سالهای اخیر در اثر نوسانات قیمت نفت و در پی آن نوسانات درآمدهای ارزی، امکان پیشبرد برنامه های توسعه اقتصادی کشور را با اتکا به درآمدهای نفتی مورد تردید جدی قرار داده است. بنابر این؛ به منظور کاهش آسیب پذیری هدفهای توسعه اقتصادی، گسترش صادرات غیر نفتی و تنوع بخشیدن به درآمدهای صادراتی ضرورت دارد. بخش کشاورزی همواره نقش چشمگیری در صادرات غیر نفتی و کسب درآمدهای ارزی کشور داشته است، به طوری که طی سه دهه گذشته صادرات محصولات کشاورزی و سنتی به طور متوسط بیش از 80 درصد کل این صادرات را تشکیل داده است. (سلیمی فر 1381) دیدگاههای مختلفی نسبت به نقش تجارت در توسعه اقتصادی کشور های در حال توسعه وجود دارد. برخی از این دیدگاهها که برخاسته از تفکرات کلاسیکی و نئو کلاسیکی است، تجارت را موجب افزایش رشد اقتصادی می داند و در تعامل نیز برخی اقتصاد دانان معتقدند که تجارت عامل عقب ماندگی کشورهای در حال توسعه بوده و موجب تخریب رابطه مبادله به زیان این کشور ها شده و فاصله آنها با کشورهای توسعه یافته را افزایش می دهد. "بگواتی" از جمله اقتصاد دانانی است که معتقد است رشد تجارت بین الملل به رشد اقتصادی کمک می کند و موجب افزایش در آمد می شود. چنانچه این رشد موجب کاهش فقر و رشد اشتغال گردد می تواند موجبات توسعه را فراهم سازد (فتحی 1381). "تودارو" نیز معتقد است که رشد سریع تولید ممکن است تاثیر کمی در توسعه داشته باشد. همچنین عایدی کشورهای در حال توسعه زمانی افزایش می یابد که محدودیت های تجاری از طرف کشور های توسعه یافته برای محصولات کشور کاهش یابد. (فتحی 1381) "گونار میردال" نگاهی انتقادی به تجارت آزاد بین الملل دارد و می گوید: تئوری تجارت بین الملل به طور خاص و تئوریهای اقتصادی به طور عام، هیچ گاه تلاشی در جهت توصیف علل واقعی عقب ماندگی اقتصادی کشورهای در حال توسعه به عمل نیاورده اند. اما با گذشت زمان و تغییر شرایط بین الملل، به تعداد اقتصاد دانهای خوشبین به تجارت افزوده شده است، به طوری که جایگاه تجارت بین الملل در مباحث توسعه در کشور های در حال توسعه تا جایی اهمیت یافته که اغلب از آن به عنوان موتور رشد و توسعه اقتصادی نام می برند و در این زمینه بار اصلی را بر دوش صادرات قرار می دهند. اما صادرات زمانی که با مزیت های نسبی کشور مطابقت داشته باشد، راهی برای رشد اقتصادی و استفاده بهینه از منابع تولید می باشد.

در برنامه توسعه سوم جهش صادراتی در سر لوحه برنامه های اقتصادی دولت قرار گرفت تا بتوان با افزایش صادرات کالاهای مزیت دار از صادرات نفت به عنوان اصلی ترین منشأ تامین ارز خارجی جلوگیری شود. به همین منظور شناخت و تعیین کالاهای مزیت دار از یک طرف و شناخت بازار های جهانی از سوی دیگر امری اجتناب ناپذیر بوده و کمک مؤثری به صادرات غیر نفتی می کند. همچنین با وجود کاهش سهم بخش کشاورزی در تجارت جهانی، به دلیل نقش استراتژیک این بخش در امنیت غذایی، تجارت آن بسیار حائز اهمیت است. صدور محصولات کشاورزی منشا مهم تزریق ارز خارجی به بدنه اقتصادی به ویژه کشور های در حال توسعه به شمار می رود. از جهت دیگر، سطح گسترده ارتباطات پسین و پیشین تولید محصولات کشاورزی باث می شود که تولید و مبادله این محصولات به عاملی در جهت رشد فعالیت های وابسته، اعم از صنعتی و خدماتی تبدیل شود.

کشورهای در حال توسعه، به دلیل سطح پایین دستمزد نیروی کار از امکان عملی تولید به قیمت کمتر بر خوردارند، بنا براین بازار محصولات کشاورزی در جهان، رقابتی تر از محصولات صنعتی و پیشرفته است. در طی بررسی ها مشخص می شود که در شرایطی که پیوستگی اقتصاد جهانی عملاً توان کشور ها را در جهت افزایش سطح مبادلات جهانی بالا برده است و کشور ها در حد توان خود از این فرصت بهره گرفته اند، ایران در این زمینه نه تنها استفاده ای از این فرصت نکرده بلکه دوچار پس رفت شده است. بنا براین؛ جا دارد که ایران با اتکا به مزیت های نسبی خود از جمله در محصولات کشاورزی، پیوستگی خود را با بازار جهانی در جهت بهره گیری از فرصت های موجود گسترش دهد. ضمناً با توجه به نوسانات درآمدهای ارزی ناشی از نوسانات قیمت نفت، امکان پیشبرد برنامه های توسعه اقتصادی کشور بر پایه درآمدهای نفتی قابل تامل است. از این روی کاهش آسیب پذیری اهداف توسعه اقتصادی، گسترش صادرات غیر نفتی و تنوع بخشی به درآمدهای صادراتی ضروری است. از عوامل مؤثر در تعیین راهبرد مناسب برای توسعه اقتصادی هر کشور با عنوان راهبرد توسعه صادرات، داشتن مزیت نسبی در تولید و صادرات است. (مهرابی بشر آبادی 1383)

لذا، با توجه به آنچه گفته شد، در این تحقیق با توجه به نقش محوری کشاورزی در استواری پایه های اقتصادی کشورهای در حال رشد به بررسی مزیت نسبی کالاهای کشاورزی بر اساس نگرش توسعه صادرات پرداخته شده است. هدف در این تحقیق محاسبه و تجزیه و تحلیل مزیت نسبی محصولات عمده کشاورزی در بخش ماهان از توابع استان کرمان میباشد.

3-1 اهداف تحقیق

با توجه به مباحث مطرح شده در قسمت های قبل ، اهداف این تحقیق به شرح زیر است:

- 1- ارائه ماتریس تحلیل سیاستی (PAM)¹ برای محصولات کشاورزی در این بخش.
- 2- بررسی و تعیین مزیت نسبی محصولات کشاورزی در بخش ماهان با استفاده از شاخصهای DRC² و SCB³ و NSB⁴.
- 3- تعیین حمایت های اسمی و موثر انجام شده از محصولات کشاورزی در بخش ماهان با استفاده از شاخص های NPC⁵ و NIPC⁶ و EPC⁷.
- 4- اولویت بندی محصولات مورد مطالعه بر اساس شاخص های ذکر شده در قسمت های قبل.

4-1 جامعه و نمونه آماری و محصولات مورد مطالعه

محصولات کشاورزی مورد مطالعه شامل محصولات زراعی گندم ، جو ، ذرت دانه ای ، سیب زمینی و پیاز و محصولات باغی شامل ؛ انگور ، گردو ، بادام ، پسته و هلو می باشد.

الف- آمار و اطلاعات کتابخانه ای شامل مناطق عمده تولید هر یک از محصولات مورد مطالعه ، قیمت جهانی نهاده ها و محصولات مورد مطالعه ، آمار مربوط به نرخ ارز ، شاخص قیمتها ، صادرات ، و ...

ب- آمار و اطلاعات مزرعه ای که با استفاده از پرسشنامه جمع آوری می شود. روش نمونه گیری تصادفی بوده است و از چارچوب نمونه گیری هزینه تولید سازمان کشاورزی استان کرمان استفاده شده است.

¹ Policy Analysis Matrix

² Domestic Resource Cost

³ Social Social Benefit

⁴ Net Social Profit

⁵ Nominal Protection Coefficient

⁶ Nominal Input Protection Coefficient

⁷ Effective Protection Coefficient

فصل دوم

تاریخچه و مبانی نظری تحقیق

2-1 مقدمه

گسترش رقابت بین کشورها در تجارت خارجی این پرسشها را مطرح کرد که کالاهای مورد مبادله را چه کشورهایی تولید کنند؟ تجارت بین کشورها چه ضرورتی دارد؟ و کشورها به چه صورت و به چه میزان از تجارت با یکدیگر نفع می‌برند؟ تلاش اولیه جهت جوابگویی به این پرسش توسط کلاسیکها از حدود بیش از دو قرن پیش صورت گرفت. آدام اسمیت (بنیان‌گذار مکتب کلاسیک) در چارچوب هزینه‌های مطلق و سپس دیوید ریکاردو بر اساس تئوری مزیت نسبی (هزینه‌های نسبی) جوابهایی ارائه دادند که بر اساس آن اصل مزیت نسبی شکل گرفت که هسته مرکزی تئوری تجارت می‌باشد. اگر کشورها با استفاده از مزیت نسبی اقدام به تولید و مبادله کالا کنند آنگاه رفاه هر دو کشور می‌تواند افزایش یابد. بعدها این نظریه توسط برخی از اقتصاددانان مورد نقد و پیشرفت قرار گرفت که از آن جمله می‌توان به هکشر، اوهلین، پربیش، سینگر، میردال و ... اشاره کرد.

لازم به ذکر است که برخی از اقتصاددانان سو سیالیست بویژه پربیش و سینگر مخالف گسترش تجارت بودند و دلیل این امر را تخریب رابطه مبادله بزیان کشورهای در حال توسعه می‌دانستند. در سال 1966 مطالعات مفیدی توسط لئونتیف شروع شد که نقطه آغازی بر مطالعات تئوریک و تجربی مربوط به مزیت نسبی بود. بعد از تعدادی از اقتصاددانان از جمله برونو (1976) و بالاسا (1965) شاخص‌های کاربردی هزینه منابع داخلی و مزیت نسبی آشکار شده را جت تعیین اندازه‌گیری مزیت نسبی و انتخاب فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها ارائه داده‌اند. گرچه در این تحقیق جای پرداختن به همه تاریخچه و مبانی تئوریک مربوط به مزیت نسبی وجود ندارد اما در ادامه این فصل و

فصل "مروری بر مطالعات انجام شده" سعی شده است که اهم مسائل مربوط به این موضوع، به صورت خلاصه مورد بررسی قرار گیرد. در این بررسی سعی شده که موارد ذکر شده حتی الامکان بر اساس ترتیب تاریخی بوده و نکات مهم مورد اشاره قرار گیرد.

2-2 نظریه مرکانتلیستها

یا شروع انقلاب صنعتی و گسترش صنعت کشتیرانی تجارت بین کشورها رو به افزایش گذارد. مرکانتلیستها معتقد بودند که توانمندی هر کشور بستگی به میزان طلا و فلزات گرانبهایی است که در اختیار دارد. از اینرو با اعمال سیاستهایی سعی در محدود کردن واردات کالاها و افزایش صادرات کالاها برای ورود طلا و فلزات گرانبها داشتند. هر چه مثبت تر کردن تراز پرداختها از اهداف اصلی این مکتب به شمار می رفت. همچنین بر اساس این دیدگاه یکی از طرفین تجارت منتفع و طرف دیگر متضرر می شد.

2-3 نظریه فیزیوکراتها

طرفداران این نظریه از منتقدین اصلی مرکانتلیستها بوده و عنوان می کردند که طبیعت بهترین روابط را ایجاد می کند. تعادل با ثبات بلند مدت بطور طبیعی و بر اساس نیروهای موجود در طبیعت ایجاد می گردد، لذا نیازی به دخالت دولت در تحریف تجارت خارجی وجود ندارد.

2-4 نظریه مزیت مطلق آدام اسمیت¹

آدام اسمیت بر اساس نظریه فیزیوکراتها به کارکرد طبیعی عوامل بازار و عدم دخالت دولت در اقتصاد از جمله در تجارت بین الملل معتقد بود. آدام اسمیت در سال 1776 میلادی در کتاب ثروت ملل چنین بیان می کند: اگر کشوری بتواند کالایی را با مقدار کمتر، ارزانتر از قیمتی که خودمان تولید می کنیم، به ما عرضه کند بهتر آن است که بهایش را با کالایی که تولید می کنیم و مزیتی در تولید آن داریم پرداخت کنیم. آدام اسمیت داشتن مزیت در تولید یک یا چند کالا توسط یک کشور نسبت به کشورهای دیگر را امری مطلق می پنداشت. به عبارت دیگر هر کشوری در تولید یک یا چند کالا مزیت یا مهارتی را دارا است که کشور های دیگر در تولید کالاهای به خصوص چنین مزیتی را نداشتند بلکه به جای آن در تولید کالاهای دیگر از مزیت و مهارت برخوردارند. بدیهی است، کشوری که مزیت مطلق در تولید یک کالا نسبت به کشور دیگر دارد و کشور دیگر نیز مزیت مطلق در تولید کالای دیگر داشته باشد هر دو کشور از تجارت منافی خواهند برد. به این ترتیب تئوری آدام اسمیت به نام تئوری "مزیت مطلق" نامیده شد. این تئوری بر پایه مفروضاتی

¹ Absolute Advantage

نهاده شده است که بدون در نظر گرفتن آنها، این تئوری مصداق پیدا نمی‌کند. مهمترین مفروضات به کار رفته در تئوری آدام اسمیت عبارت از موارد زیر می باشد:

الف- همگن بودن تکنولوژی در دو کشور.

ب- همگن بودن نیروی انسانی از نظر مهارت و تخصص در دو کشور.

ج- یکی بودن تابع تولید در دو کشور.

د- موجود بودن اطلاعات کامل و بدون هزینه برای همه اشخاص.

ه- غیر قابل انتقال بودن عوامل تولید (عدم تحرک عوامل تولید) بین دو کشور و امکان مطلق حرکت این عوامل در داخل کشور.

و- موجود نبودن هر گونه مانع برای تجارت (کلباسی 1380)

2-5 نظریه مزیت نسبی ریکاردو¹

نظریه مزیت نسبی ریکاردو در جهت تصحیح و تقویت نظریه آدام اسمیت و در پاسخ به این پرسش است که اگر کشوری در تولید هر دو کالا بر کشور دیگر مزیت مطلق داشته باشد، آیا باز هم کشورها از تجارت بهره گیری خواهند کرد؟، شکل گرفت. ریکاردو از نخستین اقتصاد دانانی بود که به اهمیت تفاوت در هزینه های نسبی پی برد. مدل وی در اقتصاد بین الملل دارای چندین فرض به شرح زیر است:

الف- کلیه متغیرهای مورد توجه مدل در سیستم اقتصادی مستقل از متغیرهای پولی هستند. این فرض که گاه تحت عنوان "ختی بودن پول" خوانده می شود به این معنی است که ابعاد پولی متغیرها را در نظر نمی گیریم و ختی هنگامی که از قیمت ها صحبت می شود آنها، به صورت قیمت های نسبی مطرح می گردند.

ب- همه عوامل تولید در جامعه دارای مقداری ثابت هستند، به این معنی که تغییر قیمت این عوامل هیچ تغییری در مقدار موثر دسترسی به این عوامل ایجاد نمی کند. به این ترتیب با افزایش قیمت زمین، مردم به قابل استفاده کردن زمینهای موات رغبت زیاد تری نشان نمی دهند، به زبان تحلیلی، معنای این فرض چنین است که منجنی عرضه عوامل تولید خطی عمودی بوده و کاملاً کشش ناپذیر است.

ج- عوامل تولید در سطح بین المللی غیر متحرک اند در حالی که در داخل کشور تحرک کامل دارند.

¹ Comparative advantage

د- سطح تکنولوژی و آگاهی های فنی تولید کنندگان محصولات مشابه در یک کشور در یک سطح است، یا توابع تولید کلیه تولید کنندگان محصولات مشابه همسان است.

ه- سلیقه افراد جامعه برای تقاضای محصولات تغییری نمی کند. یا مجموعه منحنی های بی تفاوتی افراد ثابت است.

و- هیچ گونه محدودیتی از نظر حمل و نقل کالا و کسب اطلاعات تجارت در بین کشورها وجود ندارد و یا به عبارت دیگر هیچ بازرگانی به خاطر هزینه حمل و نقل یا نا آگاهی از بازارهای فروش و یا عوارض وارداتی، مسیر تجارتي خود را منحرف یا قطع نمی کند.

ز- ارزشها مبتنی است بر میزان مشارکت عامل کار در تولید هر کالا. این نظر که تحت عنوان "نظریه ارزش مبتنی بر کار" نامیده می شود به وسیله ریکاردو وضع شد و پس از او مورد اعتقاد سوسیالیست ها نیز قرار گرفت. بر اسا این نظریه، کالا نسبت به میزان کار لازم در تولید آن ارزشمند می شود و عوامل تولید دیگر یا کم اهمیت اند و یا همواره به نسبتی مساوی به همراه کار استفاده می شوند. (کلباسی 1380)

2-6 مدل هشکر-اهلین

همناطوری که مدل ریکاردو بیان می کند، کارایی نیروی کار تنها عامل تعیین کننده مزیت نسبی و نهایتاً تجارت بین الملل است. در عالم واقع، اگر چه تجارت بستگی زیادی به کارایی نیروی کار دارد اما آینه ای است که منعکس کننده عوامل و منابع کشور است. یک تحلیل واقعی از تجارت باید نه تنها در بر گیرنده نقش نیروی کار در تولید باشد بلکه به تاثیر عوامل دیگری نظیر سرمایه، زمین و منابع زیر زمینی نیز باید توجه داشته باشد. (کلباسی 1380)

در نظریه آدام اسمیت و ریکاردو عامل اصبی تفاوت هزینه ها از کارایی عوامل تولید ناشی می شود. به عبارت دیگر تخصص در به کار گیری عوامل تولید باعث پایین بودن هزینه تولید و ارزانی کالا می گردد. نظریه های فوق در توجیه این که چرا کشورها در به کارگیری عوامل تولید دارای کارایی خاصی هستند با ضعف روبرو بودند.

هشکر و اهلین در پاسخ به ایراد فوق نظریه فراوانی عوامل تولید را مطرح کردند. این مدل نشان می دهد که مزیت نسبی از دو جهت متاثر می شود. (کلباسی 1380)

1- فراوانی نسبی عوامل تولید که منابع ملی خوانده می شوند.

2- تراکم نسبی که باعث تولید کالاهای متفاوتی می گردد.